

إصدارات أنصار الامام المهدي (عليه السلام) / العدد (91)

انتشارات انصار امام مهدي (عليه السلام)

## مع العبد الصالح عليه السلام

### در محضر عبد صالح (عليه السلام)

(جلد ۱ و ۲)

أجوبة نيرة في معارف شتى ونصائح وروى ملكوتية لا غنى لمؤمن  
بالله عنها عبر حوار مباشر مع قائم آل محمد السيد أحمد الحسن (عليه  
السلام) نضعها بين يدي السائرين الى الله

پاسخ‌هایی روشن‌گرانه درباره‌ی انواع معارف، اندرزها و رؤیاهای ملکوتی که هیچ  
انسان مؤمن به خداوند، از آن بی‌نیاز نیست، از طریق گفتگوی مستقیم با قائم آل  
محمد (علیهم السلام) - سید احمد الحسن (عليه السلام) - که پیش روی سالکان الی الله  
قرار می‌دهیم.

إعداد و قلم

أبو حسن

آماده سازی و نگارش  
ابو حسن

## الطبعة الأولى

١٤٣١ هـ - 2010 م

نام كتاب	در محضر عبد صالح (عليه السلام) جلد (١ و ٢)
نويسنده	ابوحسن
مترجم	گروه مترجمان انتشارات انصار امام مهدي (عليه السلام)
نوبت انتشار	دوم
تاريخ انتشار	١٣٩٤
كد كتاب	٢/١٠٠١
ويرايش ترجمه	دوم

### مشخصات كتاب اصلي:

نام كتاب: در محضر عبد صالح (عليه السلام) جلد (١ و ٢)  
گردآورنده: ابوحسن  
نوبت چاپ: دوم  
تاريخ انتشار: ١٣٩٤ هـ ش. ، ١٤٣٦ هـ ق. ٢٠١٥ م.

لمعرفة المزيد حول دعوة السيد أحمد الحسن (عليه السلام)

يمكنكم الدخول إلى الموقع التالي:

[www.almahdyoon.org](http://www.almahdyoon.org)

جهت كسب اطلاعات بیشتر در خصوص دعوت مبارك سيد احمد الحسن (عليه السلام) به تارنماهای زیر مراجعه نمایید.

[www.almahdyoon.co/ir](http://www.almahdyoon.co/ir)

[www.almahdyoon.co](http://www.almahdyoon.co)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## الاهداء

### تقديم

عن كليمة موسى بن عمران (عليه السلام) .. وفتاه يوشع بن نون (عليه السلام)

خداوند متعال درباره‌ی هم‌سخن خود موسی بن عمران (عليه السلام) .... و شاگردش يوشع بن نون (عليه السلام)

في رحلتها الالهية للتعلم ..

در سفر الهی آنها برای علم آموزی ....

قال تعالى : (فَوَجَدَا عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِمَّنْ لَّدُنَّا عِلْمًا) الكهف : 65.

می‌فرماید: «در آنجا بنده‌ای از بندگانمان را که رحمت خویش را بر او ارزانی داشته بودیم و خود به او دانش آموخته بودیم، یافتند» .

إنه إذن (العبد الصالح) و (العالم) كما أسماء الله سبحانه ..

لذا او «عبد صالح» و «عالم» است، همان طور که خدای سبحان او را چنین نام نهاده ....

إليك يا ابن البتول الطاهرة أمد يداً وهي على الرغم من سواد وجهه صاحبها بذنوبه، لكن يقينه أنكم لا تردون يداً مدت إليكم.

ای فرزند بتول طاهره (علیها السلام) دستم را به سوی تو دراز می‌کنم؛ اگر چه صاحبش به دلیل گناهانش روسیاه است ولی یقین دارد که شما دستی را که به سوی تان کشیده شده، رد نمی‌کنید.

**أحمد** .. أيها المجمع الطاهر لبحري (علي وفاطمة) عليهما السلام ..

احمد! ... ای مَجْمَع پاک دو دریای «علی و فاطمه» (علیهما السلام)

إليك يا معلم الانبياء ..

به سوی تو ای آموزگار انبیاء ....

روحي فداك .. إليك أهدي ما جمعته من بحر كلامك العذب المعين ..  
وما أراني إلا كناقل التمر إلى هجر أنصارك الكرام.

جانم به فدایت .... آنچه از دریای سخنان شیرین و گواری شما گرد آورده‌ام، به شما هدیه می‌کنم .... و خود را بیش از کسی که خرما نزد انصار گرامی شما می‌برد، نمی‌دانم.

مع اعتذاري لجرأتي وقلة حياتي ...

از جسارتی که به خرج داده‌ام و بابت کم‌شرمی‌ام پوزش می‌خواهم ....

المقصر في

حکم

کسی که در حق شما کوتاهی روا داشته است

## الفهرس

فهرست

الإهداء .

تقديم :

تقديم .

پیش گفتار

**المحطة الأولى :** ما يتعلق بالقرآن الكريم .

مسائل مربوط به قرآن کریم

وقفه مع نصوص المسلمين ومقارنتها بما بين أيدهم من القرآن اليوم .

درنگی در متون موجود بین مسلمانان و مقایسه‌ی آن با قرآنی که امروزه در اختیار دارند....

قراءة ( بكل أمر ) في سورة القدر .

قرائت «بكل امر» در سوره‌ی قدر

**المحطة الثانية :** ما يتعلق بالروايات .

## مسائل مربوط به روایات

هل يحق لغير المعصوم بيان معنى رواية متشابهة .

آیا غیر معصوم حق دارد روایت متشابه را معنی کند؟

السؤال عن الجزئيات في الروايات .

سؤال از جزئیات روایات

إمام ينسب الفعل لنفسه والمقصود هو إمام آخر .

امام انجام کاری را به خود نسبت می‌دهد و حال آن که منظورش امام دیگری است ....

رواية السمري .

روایت سمری

لا تنقضي الدنيا حتى يجتمع رسول الله (ص) وعلي (ع) في الثوية .

روایت « دنیا پایان نمی‌پذیرد تا رسول الله (صلی الله علی وآله وسلّم) و علی (علیه السلام) در ثویه گرد هم آیند ....»

مقطع من الزيارة الجامعة .

مقطعی از زیارت جامعه

هل النور هنا هو نفسه النور في العوالم العلوية .

آیا منظور از نور در اینجا همان نور در عوالم بالایی (علوی) است؟

دعوا الأمر حتى يأتي وقته

امر را رها کنید تا زمانش فرا رسد

**المحطة الثالثة : ما يتعلق بالعقيدة .**  
ایستگاه سوم: مسایل مربوط به اعتقادات

من كان الحجة الناطق على الناس قبل مجئ اليماني .  
پیش از آمدن یمانی، حجت ناطق بر مردم چه کسی بود؟

الحجة الناطق على الناس الآن .  
حجت ناطق بر مردم در زمان حاضر

معنى الحجة الصامت .  
معنای حجت صامت

مجئ الوصي قبل الحجة .  
آمدن وصی قبل از حجت

فاذا حضرته الوفاة فليسلمها الى ابنه أول المهديين .  
هنگامی که وفاتش فرارسید، آن را به پسرش اولین مهدیین تسلیم نماید

معنى الرفع .  
معنای رفع

ما يترتب على الرفع .  
پیامدهای رفع

الرفع وجسد المرفوع .  
رفع و جسد مرفوع (بالا برده شده)

الفرق بين العصمة والتسديد .. لقاء موسى (ع) بالعبد الصالح (ع) .  
تفاوت بین عصمت و تسدید... ملاقات موسی (علیه السلام) با عبد صالح (علیه السلام)



العمل في عالم الذر .  
عمل در عالم ذر

هل جعل الخلافة والامامة تشريعي أم تكويني .  
خلافت و امامت تشريعي است يا تكويني؟

الخلافة الالهية والحكم .  
خلافت الهى و حكومت

اختبار حجة الله بغير أدلته .  
امتحان حجت خداوند بدون در نظر گرفتن دليل هايش

كيف عرّف الله حجته ابراهيم (ع) .  
خداوند چگونه حجتش ابراهيم (عليه السلام) را شناساند؟

جرأة المخالفين على والده ووالدته (ع) .  
گستاخي و جسارت مخالفين نسبت به پدر و مادر ايشان (عليهما السلام)

أنا خير منه .. مشكلة المنكرين دائماً .  
«من از او برترم»؛ مشكلى هميشگى منكران

الصلاة على آل محمد الائمة والمهديين (ع) وموقع فاطمة (ع) منها .  
صلوات بر آل محمد ائمه و مهديين (عليهم السلام) و جاىگاه فاطمه (عليها السلام) در آن

ماذا يقصد ابراهيم (عليه السلام) بقوله : لا أحب الآفلين .  
منظور ابراهيم (عليه السلام) از «لا أحب الآفلين» (فرو شوندگان را دوست ندارم)  
چيست؟

بالطعام يموت ابن آدم وبكلمة الله يحيى .  
فرزند آدم با غذا مى ميرد و با كلمه ي خدا زنده مى شود

معنى السماء الأولى .  
معناى آسمان اول

بداية المؤمن ربما تكون بالدعاء ، ويكفيه الوقوف بباب الله راجياً .  
چه بسا سر آغاز مؤمن با دعا باشد، و وقوف امیدوارانه‌اش در درگاه خدا  
برای وی کافی باشد

ما هو القلب الذي يعي به الانسان .  
دلی (قلب) که انسان با آن احساس و ادراک می‌کند چیست؟

كيف تستقر المعرفة الحقيقية في القلب ويحقق الانسان هدف الانبياء .  
چگونه معرفت حقیقی در دل استقرار و ثبات می‌یابد و آدمی هدف  
پیامبران را محقق می‌سازد؟

كيف قهر الاولياء أنفسهم لما يرضي الله .  
چگونه اولیای الهی نفس خود را به آنچه مورد رضای الهی است،  
واداشتند؟

حجة الله وختم النبوة .  
حجت خدا و ختم نبوت

إلهي أنت كما أحب .  
خدایا! تو آن چنان هستی که دوست می‌دارم

بداية السنة عند الله .  
آغاز سال از دید خداوند

العلم كله حجة على الانسان إلا ما عمل به .  
علم همگی حجت بر انسان است مگر آنچه به آن عمل شود

الرؤيا بالمعصوم في غير مواصفاته المعروفة .  
دیدن معصوم در خواب با غیر از ویژگی‌های معروف او

**المحطة الرابعة :** ما يتعلق بالمناظرات والبحوث .

ایستگاه چهارم: مسایل مربوطه به مناظره‌ها و گفتگوها

بعض وصایاه (علیه السلام) بخصوص المناظرات .

برخی توصیه های ایشان (علیه السلام) درباره‌ی مناظره‌ها

نصيحة منه بكتابة بعض البحوث .

اندرز ایشان (علیه السلام) در خصوص نوشتن بعضی مباحث

إعمال بحوث مقارنة .

استفاده از پژوهش‌های تطبیقی

**المحطة الخامسة :** ما يتعلق بالنصائح العامة وبعض كلامه (ع) .

ایستگاه پنجم: مسایل مربوط به نصایح عمومی و برخی از فرموده‌های ایشان (علیه السلام)

كيف يكون الايمان مستقراً .

چگونه ایمان مستقر و ثابت می‌گردد

علاج قساوة القلب .

درمان قساوت قلب

تلك الدار الآخرة نجعلها للذين لا يريدون علواً .

این سرای آخرت را برای کسانی قرار دادیم که برتری‌جویی

نمی‌کنند. (سوره مبارکه القصص آیه ۸۳)

نصيحة في هداية الناس .

نصیحتی در زمینه هدایت مردم

ومن كلامه (ع) ما يصعب وضع عنوان یشیر إليه .

بخشی از کلام ایشان (علیه السلام) که انتخاب عنوان برای آن دشوار است

خطة آل محمد (ع) في العمل .  
برنامج آل محمد (عليهم السلام) در بُعد عملی

الخوف نعمة .  
ترس، نعمت است

رأفته بالناس ودعوتنا لمعاملتهم حسب ظاهرهم .  
مهربانی ایشان با مردم و دعوت از ما برای رفتار با افراد بر اساس  
ظاهرشان

هل ينقل الانسان معرفة هو غير مطبق لها .  
آیا انسان می تواند دانشی را که خود به کار نبسته به دیگران منتقل کند؟

في ذكرى شهادة الزهراء (ع) .  
در ذکر شهادت حضرت زهرا (علیها السلام)

قتلوا وسجنوا وأرهبوا ولم يطمسوا دعوة الحق .  
کشتند، به زندان افکندند، ترساندند ولی نتوانستند دعوت حق را محو و  
نابود سازند

أتواصوا به .. سبحانك يا رب .  
آیا (به این کار) یکدیگر را وصیت کرده اند؟ .... پروردگارا تو منزهی

الحذر من رفع المصاحف اليوم .  
هشدار نسبت به بالا بردن قرآن ها در حال حاضر

اعلموا أنّي كجدي الحسين وأنفي كالحجر .  
بدانید که من مانند جدم امام حسین هستم و بینی ام مانند سنگ است

الفهرس .  
والحمد لله رب العالمين

در محضر عبدالصالح (عليه السلام)

(جلد ۱)

## تقديم :

### پیش گفتار

الحمد لله رب العالمين، وصلى الله على خير خلقه وسادة بريته محمد وآله  
الطاهرين الأئمة والمهدين وسلم تسليماً.

حمد و سپاس مخصوص خداوند، پروردگار جهانیان است و برترین سلام و صلوات خداوند بر  
بهترین و سرور خلقش محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) و اهل بيت طاهرش امامان و مهديين (عليه  
السلام)

ربي اشرح لي صدري، ويسر لي أمري، واحلل عقدة من لساني يفقهوا قولي ..

«(خدای من! سینه‌ام را گشاده گردان، و کار مرا آسان ساز و گره از زبان من  
بگشای، تا گفتار مرا دریابند ....)».

لم تتهرب مني الكلمات مثلما في التقديم الذي كان آخر محطات هذا السفر كتاباً، لا  
لشيء سوى أنني أصبحت فريداً ولم يكن بين يديّ شيء من كلامه (عليه السلام) يخص  
التقديم لأكتبه بعد أن كانت كلماته أمامي في كل محطات هذا الكتاب في مسائله  
المعرفية المتنوعة.

چرا کلمات در نوشتن از من گریزانند همانند مقدمه‌ای که در آخرین ایستگاه این سفر بود؛ دلیل  
آن چیزی نیست جز این که تنها ماندم. بعد از این که در تمام ایستگاه‌های این کتاب در مسایل  
گوناگون معرفتی کلمات ایشان پیش روی من بود، چیزی از فرمایش ایشان که بتوانم آن را تقدیم  
کنم، در برابرم نبود.

أما قصة الكتاب .. (مع العبد الصالح) .. فهو بكلمة واحدة: (منه وإليه).

و اما داستان این کتاب .... «در محضر عبد صالح» .... در یک کلام، «از اوست و به سوی

اوست».

- منه .. لأنه كان المجيب على عظام الأمور التي سألته عنها، ونقلت السؤال والجواب هنا، والإجابة عن العظام باب كبير يمكن أن يُعرف به القائم (عليه السلام) لو كان الناس يصدقون كلام آبائه الطاهرين.

- از اوست .... زیرا او پاسخگوی مسایل سترگی بود که از ایشان سؤال نمودم. این پرسش و پاسخ را نقل کرده‌ام. جواب دادن به مسایل پیچیده، دروازه‌ی بزرگی است که با آن می‌توان قائم (علیه السلام) را شناخت؛ البته اگر انسان گفتار پدران پاکش را تصدیق نماید.

- وإليه .. لأنه كان الصدر الرحب والواسع الذي كان يتحمّلي رغم جهلي وعدم صحة حتى سؤالي أحياناً ، ورغم شدة الظروف وقساوة الدنيا وأهلها على بقية آل محمد (عليهم السلام) .

- و به سوی اوست .... زیرا او با سینه‌ای فراخ و رویی گشاده، مرا با همه‌ی جهل و نادانی‌ام و حتی با وجود نادرستی برخی از سؤال‌هایم، تحمل نمود؛ با وجود سختی شرایط و بی‌رحمی دنیا و اهل آن، نسبت به بازمانده‌ی آل محمد (علیهم السلام).

أما لماذا (العبد الصالح) دون غيره من بقية أسمائه المعروفة عند أهل السماء ؟

اما چرا نام «عبد صالح» و نه دیگر نام‌های ایشان را که نزد اهل آسمان معروف است، انتخاب نمودم؟

فلأنه الاسم الذي أسماه ربّه لَمَّا كان به معلماً للأنبياء ورائداً في طرق السموات فضلاً عن عالم الدنيا الذي لم ينظره خالقه مذ خلقه، ولو كان ذا اعتبار عنده ما أُوذي صلحاء عباده فيه.

زیرا این نام، همان اسمی است که پروردگارش او را به آن نامید؛ هنگامی که او معلم انبیاء و پیش‌آهنگ راه‌های آسمان‌ها -علاوه بر عالم دنیا- بود؛ همان دنیایی که آفریننده‌اش از زمانی که آن را خلق کرده، نگاهی به آن نینداخته است و اگر دنیا برای او اعتباری داشت، صالح‌ترین بندگانش در آن آزار و اذیت نمی‌شدند.

وسيد مظلومي زماننا هذا هو العبد الصالح .. أحمد، ليس لأنه قد حورب من قبل قوم يدعون ولاية آبائه فحسب، ولا لأنهم أفتوا بقتله وقتل من يؤمن به، ولا لكفرهم

بکلمات الله وآياته وروایات الائمة الطاهرين، بل لأن بين جنبیه وقلبه علماً جماً ونوراً یضیء، لا تسعه سماوات سبع فضلاً عما دونها، هي صدور آل محمد، صدور عرفت الله فخصت، وخشعت له فذلت، ورأت مجرد النظر لأنفسها ذنباً فاغرورقت العيون بالدموع في سواد الليل عند سکون أنفاس أهل الدنيا وضجيجها، بل تضيق بتلك الصدور الکلمات خجلاً من رب رحيم وتختنق عن التعبير وعن وصف حالها بين يدي ربها، فرفعها الله وطهرها، فكانت خزنة علمه، ومعادن حکمته، ونوره وبابه الذي منه یؤتی، ومناراً یضیء درب السالکين رغم وعورة الطريق وخطورته، بل التوحيد - غاية الخلق وهدفه - الذي هو بلا شك أدق من الشعرة وأحد من السيف كما ورد، بهم یکشف دقائقه، وتعرف مقاصده، فيحقق المرء بفضلهم هدف مجيئه، وغاية خلقته، وأعلى أمانيه وصبوتها، لا بياناً منهم فقط بل یبقى الإمام منهم ممسكاً بأيدي المؤمنین حتى یوردهم رضوان الله، ولا تنقبض تلك اليد الکریمة - وحاشاها - الا حيث یقبض الانسان يده عنها والعیاذ بالله، فكان بحق كرم الله في أرضه، ولطفه وآيته في خلقه.

عبد صالح .... احمد، سرور مظلومان زمان ما است؛ نه به این جهت که از سوی قومی که ادعای ولایت پدران را دارند مورد ستیز و دشمنی قرار گرفته، و نه از این جهت که آنها به قتل او و کسانی که به او گرویده‌اند فتوا صادر کرده‌اند، و نه به خاطر کفرورزی آنها نسبت به کلمات خدا و آیات الهی و روایات ائمه‌ی طاهرين (علیهم السلام)، بلکه به این سبب که در وجود و قلبش دانشی انباشته و نوری تابنده است که آسمان‌های هفتگانه را گنجایش آن نیست، چه برسد به فروتر از آنها. سینه‌های آل محمد (علیهم السلام) این چنین است؛ سینه‌هایی که خدا را شناختند، ترس و فروتنی پیشه نمودند، و نگریستن به خود را گناه به شمار آوردند؛ بنابراین در سیاهی شب و هنگام آرام گرفتن جان‌های اهل دنیا و خاموشی هیاهوی آنها، چشمان‌شان پر از اشک شد؛ حتی کلمات در آن دل‌ها به دلیل شرمی که از خدای مهربان خود دارند، تنگ می‌شوند و از بیان تعبیر و وصف حالشان در پیشگاه خدای خود ناتوان می‌شوند. خداوند نیز (مقام) آنها را بالا برد و پاک نمود؛ پس خزانه‌ی علمش، معدن حکمتش و نور و درگاهی شدند که از آن ورود می‌یابند و چراغی شدند که راه پویندگان را با وجود درشتی راه و خطرناکی مسیر روشن می‌نمایند. توحید - غایت و هدف آفرینش - همان طور که در روایات آمده، بی‌گمان نازک‌تر از مو و تیزتر از شمشیر است. نکات ظریف و باریک توحید به وسیله‌ی آنها شناخته می‌شود، و مقاصدش از طریق ایشان هویدا می‌گردد. انسان به فضل ایشان هدف از آمدنش، غایت خلقتش و گرانبه‌ترین آرزوهایش را درک می‌کند و محقق می‌سازد. آنها فقط به روشنگری امور اکتفا نکردند بلکه هر امامی از ایشان، دست مؤمنین را می‌گیرد تا آنها را به حریم رضوان الهی وارد کند. این دست پرکرم عقب کشیده نمی‌شود و حاشا که چنین باشد - مگر این که انسان - پناه بر خدا - خود، دستش را عقب بکشد؛ پس به حق، کرامت خدا در زمینش و لطف و نشانه‌ی او در میان خلقش است.

فلماذا إذن يحارب الإنسان من يفعل له كل ذلك، لأنه يريد نجاته !!! سبحانك يا

رب.



پس چرا انسان با کسی که چنین کاری را برایش انجام می‌دهد به دشمنی و لجابت برمی‌خیزد؟! آیا به این دلیل که او در پی نجاتش است؟! سبحانک یا رب!

ولیس لأنّ أهل هذا العالم كان الأحرى بهم استقبال هذا الداعي الإلهي الذي به يحققون غايتهم وهدفهم ولكنهم فعلوا العكس فظلموه، ليس هذا فقط، بل لأنه الآتي بالـ (٢٧) حرفاً من علوم المعرفة الإلهية التي أذن الله بها لعباده ليعرفوه بها مما ضيع الخلق حظه عن تعلّمها من آباءه الطاهرين، الذين لم يبثوها لقوم ما عرفوهم ولا قدروا الله حق قدره فيهم، وإذا كان الداعي هو قائم آل محمد، مجمع البحرين الذي قصده موسى (عليه السلام) في رحلته للتعلّم، ومن اعتبر أنّ إنفاق الحقب والدهور دون لقائه أمراً يستحق تنكّب عناء السفر والمسير (أو أمضي حقباً)، فكم ستكون الخسارة عندئذٍ، والناس مصرّة اليوم على حربته والتنكر له !!

آیا این طور نیست که برای اهل این دنیا این گونه سزاوارتر باشد تا از این دعوت‌کننده‌ی الهی که به همراه وی نهایت آرزو و اهدافشان محقق می‌شود، استقبال کنند؟! در حالی که بر خلاف آن عمل کردند و به او ستم روا داشتند! نه فقط به این دلیل، بلکه از آن رو که ایشان با ۲۷ حرف از علوم معرفت الهی که خدا به وسیله‌ی آنها به بندگان خود اجازه داده که او را بشناسند، آمده است. مردم حظّ و بهره‌ی خود برای فراگیری این علوم از پدران طاهرش را از کف دادند (زیرا) آنها (ائمه‌ی اطهار) این معارف را برای قومی که آنها را نشناختند و حق خداوند را در مورد آنها به جای نیاوردند، بیان نمودند. اگر دعوت‌کننده، همان قائم آل محمد است، و او همان مجمع البحرینی است که موسی (عليه السلام) در سفر علم‌آموزی خود به دنبالش بود و نظرش بر آن بود که اگر روزگاری دراز صرف یافتن مجمع البحرين کند، ارزش آن را دارد که رنج سفر و طی مسیر را به جان بخرد (أو أمضي حقباً)، در آن صورت خسارت چه سنگین خواهد بود که مردم، امروزه بر مبارزه با او و مردود شمردنش اصرار بورزند!!

**العبد الصالح .. حقيقة تتوضح بجلاء في هذا الحوار لما يري الانسان طهارة هذا المخلوق، و عظم خلقه، و شدة تواضعه، و نور حكمته، و بعد غوره وهو يتحدث في أرفع الحقائق عبر أسلوب يتنزّل فيه حتى يستوعبه عبد مثلي، إنه ولي الأمر الرحيم والمربي الكريم، وفي هذا درس كبير لنا جميعاً ونحن ندعي الاقتداء به والسير على نهجه، وكم له في كل ما يصدر عنه دروس ودروس، ولكن ما أكثر عبره وأقلّ المعترين بها، نسأله سبحانه العفو عن التقصير في حقه.**

عبد صالح ... حقیقتی است که در این گفت و گو به روشنی نمایان می‌شود؛ آن هنگام که انسان، پاکی این مخلوق را می‌بیند؛ و خلق عظیم، شدت فروتنی، نور حکمت و درک عمیق او را مشاهده می‌نماید، در حالی که ایشان معارف و حقایق بسیار بلندپایه را به صورتی بسیار ساده و قابل فهم ارائه می‌نماید به طوری که بنده‌ای چون من بتواند آن را فراگیرد. او، ولی امری مهربان و مربی بخشنده‌ای است، و در این، درسی بزرگ برای همه‌ی ما است؛ کسانی که مدعی اقتدا به او و

حرکت در مسیر اوییم. در هر آنچه از ایشان صادر می‌گردد، چه درس‌های فراوانی نهفته است ولی افسوس که چه بسیار است عبرت‌هایش و چه اندک‌اند عبرت‌گیران! از خداوند سبحان بابت کوتاهی در حقش طلب عفو و بخشش داریم.

**إذن، هي محاولة في استخراج الكنوز من ذلك الصدر الطاهر وما يحويه من كنوز المعرفة التي أحد مفاتيحها السؤال، فكانت الأجوبة المنيرة منه على أسئلة وجهتها إليه، وآثرت بفضلته سبحانه نقلها إلى الناس بعد فهرستها عبر محطات خمس فكانت كالتالي:**

این کتاب تلاشی است برای استخراج گنج‌هایی از آن سینه‌ی پاک؛ از خزانه‌ی علوم و معارفی که دربرگرفته است؛ که یکی از کلیدهای آن پرسش است. این جواب‌های روشنگرانه در پاسخ به پرسش‌هایی که از ایشان نموده‌ام، توسط خود ایشان ارایه شده است که به فضل الهی آنها را پس از تقسیم بندی به پنج ایستگاه به شرح زیر، نقل نموده‌ام:

#### **۱- ما يتعلق بالقرآن الكريم.**

۱- مسایل مربوط به قرآن کریم

#### **۲- ما يتعلق بالروايات.**

۲- مسایل مربوط به روایات

#### **۳- ما يتعلق بالعقيدة.**

۳- مسایل مربوط به عقاید

#### **۴- ما يتعلق بالمناظرات والبحوث.**

۴- مسایل مربوط به مناظرات و گفت و گوها

#### **۵- ما يتعلق بالنصائح العامة وكلامه.**

۵- مسایل مربوط به نصایح عمومی و برخی از فرموده‌های ایشان

كل ذلك كان بعد أن سألته (عليه السلام) ذات مرة، فقلت: (أحياناً ينقل إنسان شيئاً  
للآخرين كـبعض المعارف الإلهية، ولكن هو مطمئن أنه لا يعيشها أو غير مطبق ما  
فيها، فهل هذا مقبول؟

همه‌ی اینها پس از آن بود که یک بار از ایشان پرسیدم: «گاهی اوقات انسان پاره‌ای از برخی  
معارف الهی را به دیگران منتقل می‌کند در حالی مطمئن است خودش آنها را به کار نبسته و به آنها  
عمل نموده است. آیا چنین چیزی مورد قبول است؟».

فقال (عليه السلام): رسول الله محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) قال: رحم الله امرءاً سمع  
مقالتي ووعاها ونقلها للناس فرب ناقل فقه لمن هو أفقه منه. ثم قال: هل يكفيك هذا؟  
قلت: نعم).

ایشان (عليه السلام) فرمود: «پیامبر اسلام حضرت محمد (صلى الله عليه وآله وسلم) می‌فرماید: «(خدا  
رحمت کند کسی را که سخن مرا بشنود و آن را به خاطر بسپارد و به دیگران  
برساند، که چه بسا ناقل فقهی است که آن را برای کسی که از او فقیه‌تر است نقل  
می‌کند)». سپس فرمود: «آیا این برای تو کافی نیست؟». گفتم: «آری!».

فإن لم أرحم حالى بدرائتي لكلامه وما دوّنته منه، فلعل الله يرحمني بفضله من  
خلال نقلي وروائتي لمن هو أفقه مني عنه، عسى من يصله الكلام ينتفع به ويكون  
من أهله وحملته، كيف وقد حرصت على تدوين الأجوبة بلا إضافة أو تصرف،  
وإيصالها إلى الناس كما سمعتها منه مباشرة، وقد عرضتها عليه حينذاك فكانت كما  
يريد صلوات ربي عليه.

پس اگر به حال و وضع خودم در فهم کلامش و آنچه از ایشان تدوین نموده‌ام رحم نکند شاید  
خداوند به واسطه‌ی فضلش بر من به دلیل نقل و بازگویی مطالب برای کسی که از من فقیه‌تر  
است، مرا مشمول رحمتش قرار دهد. امید است کسی که این سخنان به او می‌رسد، از آن سود  
جوید و از اهل و حاملان آن گردد. من بر تدوین پاسخ‌ها بدون اضافه نمودن یا دخل و تصرف در  
آن و رساندنش به مردم به همان صورتی که از ایشان به طور مستقیم شنیدم، اهتمام ورزیدم، سپس  
مطالب را خدمت ایشان عرضه کردم، و مطالب همان طور بود که ایشان که صلوات خدا بر ایشان  
باد، خواسته بودند.

على أنى أعتذر إليه مما علّقت قبل نقل كلامه عادة، وبعده أحياناً؛ لأجل التهيئة  
للجواب مرة، والتوضيح والإلفات أخرى. والسلام على العبد الصالح أحمد الحسن  
ممن أحبه بقلبه وروحه ويرجو الله نصرته والسعي بين يديه بفضله وكرمه إنه ولي  
المؤمنين. والسلام على المؤمنين والمؤمنات ورحمة الله وبركاته. والحمد لله وحده.

با این حال من از ایشان بابت توضیحی که معمولاً قبل از نقل سخن ایشان و احیاناً پس از آن روا داشته‌ام پوزش می‌جویم، چرا که این کار را بعضاً با هدف زمینه‌سازی برای پرداختن به جواب، و یا به قصد ارائه‌ی توضیح و نقطه‌نظر دیگری صورت داده‌ام.

سلام و درود بر عبد صالح احمد الحسن (علیه السلام) از سوی کسی که با دل و جان او را دوست می‌دارد، و طلب یاریش را از خداوند دارد و به فضل و کرم الهی، سعی و تلاش در پیشگاهش را امید بسته است، که خداوند سرپرست مؤمنان است؛ و سلام و درود بر مؤمنین و مؤمنات و رحمت الله و برکاته. و حمد و ثنا تنها خدا را سزد

٦ جمادی الثانیة ١٤٣١

أبو حسن

٦ جمادی الثانی ١٤٣١

٣٠ اردیبهشت ١٣٨٩

أبو حسن

## قال العبد الصالح (عليه السلام)

عبد صالح (عليه السلام) می فرماید:

" إذا أصبحتم تحصنوا بالله ، وإذا أمسيتم التجأوا إلى كهف الله "   
صبح هنگام به خدا پناه برید و شب هنگام را با پناه آوردن به   
پناهگاه خدا شروع کنید

" تمسك بالذي فطر كل شيء وأعطى كل شيء خلقه ، واقبل كل ما   
يخبرك به سبحانه تعرف كل شيء منه ولن تضيع ، ولن تضل ولو ضاع   
وضلّ أهل الأرض بأجمعهم "

به آن کسی که همه چیز را پدید آورده و آفرینش هر چیزی را به او   
ارزانی داشته، تمسک جوی و هر آنچه خداوند سبحان تو را به آن آگاه   
می سازد پذیرا باش تا هر چیزی را از او بدانی و هلاک و گمراه نگردی،   
حتی اگر تمام اهل زمین جملگی هلاک و گمراه شوند

\* \* \*

أضع بين يدي " أنصار الله " هذه الدرة الثمينة عساها تكون منهاج   
عمل لنا جميعاً ..

این جواهر گرانبها را پیش روی «انصار الله» می نهیم، امید که شیوهی عمل همه‌ی   
ما باشد ....

عن عبد السلام بن صالح الهروي ، قال :

عبد السلام بن صالح هروی می گوید:

( سمعت أبا الحسن علي بن موسى الرضا (عليه السلام) يقول : رحم الله عبداً أحيا أمرنا .

شنیدم امام رضا (علیه السلام) می فرماید: «رحمت خدا بر بندهای که امر ما را زنده کند».

فقلت له : وكيف يحيي أمركم ؟

به آن حضرت عرض کردم: «چگونه امر شما را زنده کند؟»

قال : يتعلم علومنا ويعلمها الناس ، فإن الناس لو علموا محاسن كلامنا لاتبعونا ..

فرمود: «دانش‌های ما را فرا گیرد و به مردم بیاموزد، که اگر مردم زیبایی‌های سخنان ما را می‌دانستند، از ما پیروی می‌کردند».

المصدر / عيون أخبار الرضا (عليه السلام) : ج ٢ ص ٢٧٥ .

منبع: عيون اخبار الرضا (عليه السلام): ج ٢، ص ٢٧٥

\* \* \*

